

نظم اعداد در شعر خاقانی شروانی*

علی حسن سهراب نژاد

دانشجوی دکتری دانشگاه تربیت مدرس

دکترناصر نیکوبخت

دانشیار دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

بررسی و تحلیل سبک‌شناسانه آثار ارزشمند ادبی، رویکردی علمی و روشمند در نقد ادبی و نظریه ادبیات است و در شناخت و معرفی اسلوب فردی پدیدآورندگان هر اثر یا یک دوره تاریخی از اهمیت والایی برخوردار است. در این رویکرد، شناخت عناصر سبکی که کوچک-ترین جزء و عامل سازنده سبک آن نیز محسوب می‌شود، هم از نظر شکل و هم به لحاظ عملکردی که در آثار ادبی برعهده دارد، در نمایاندن گوشه‌هایی از جهان هنرمند و نگرش وی به جهان نقشی اساسی ایفا می‌کند.

هنرنامه‌های خاقانی شروانی در قصایدش، از دیر باز به لحاظ صورت و محتوا مورد توجه بسیاری از شعرا، پژوهشگران و منتقدان قرار گرفته است. این بخش از اشعار او، علاوه بر مختصات سبک دوره، برخی مختصات سبک فردی را نیز دارد که شناخت آنها نیازمند مطالعات دقیق سبک‌شناختی است. یکی از این ویژگی‌ها و مختصات مهم زبانی، گزینش و به‌کارگیری منظم و متنوع اعداد است. این ویژگی زبانی، به دلیل بسامد بالای آن، به مرز نوآوری رسیده است؛ چراکه وی با ایجاد تناسبات متنوع میان اعداد، اهداف هنری و بلاغی خاصی دنبال می‌کند. این مقاله، جلوه‌های متنوع این نوآوری زبانی را به عنوان مختصه‌ای فردی در سبک قصیده‌سرایی خاقانی، بررسی کرده است.

کلیدواژه: سبک شعر، شعر خاقانی، نظم اعداد

* تاریخ دریافت مقاله: ۸۶۷/۲۸

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۷/۴/۲

۱ - نشانی پست الکترونیکی: sohrabnejad@modares.ac.ir

۱ - نشانی پست الکترونیکی: Nikbakht1960@gmail.com

مقدمه

بررسی سبک‌شناختی آثار برجسته ادبی، یکی از درخشان‌ترین و روشمندترین بخش مطالعات ادبی است و نقش ارزنده‌ای در شناخت این آثار ایفا می‌کند؛ علاوه بر این شناخت ویژگی‌های سبک فردی، به منزله کلید راه‌یابی به جهان هنری آفرینندگان آنها محسوب می‌شود. نگارندگان در این پژوهش کوشیده‌اند ابتدا به جایگاه دانش ریاضی در ادب ایران و قصاید خاقانی بپردازند، سپس با بررسی بسامدی اعداد در قصاید خاقانی شروانی، با استناد آماری، تکرار و تناسب اعداد را در این قصاید فاخر سبکی نشان داده و به دنیای شگرف و پرشکوه قصیده‌سرای شروان، دریچه‌ای تازه بکشایند.

۱- دانش ریاضی در ادب ایران و عصر خاقانی

گذشته از جایگاه خاص اعداد در فرهنگ بشری و توجه فلاسفه و اندیشمندانی نظیر ارسطو و فیثاغورث که عدد را منشأ و جوهر همه چیز می‌دانستند، یا جهان را نمودِ نظم اعداد می‌پنداشتند، اعداد در فرهنگ ایران پیش از اسلام و بعد از آن، به دو صورت سعد و نحس، در زندگی فرهنگی و اجتماعی مردم، نقش بسزایی ایفا می‌کردند. این نقش معنوی و فرهنگی اعداد که حاصل اندیشه‌های انسانی در دانش ریاضی بود، در فرهنگ و ادب ایران نیز بازتاب یافت. ریاضی و علوم وابسته بدان - که از علوم عقلی به شمار می‌آمد - به دلیل توجه دستگاه‌ها و رجال حکومتی و گرامیداشت ریاضیدانان مشهوری که حتی در مواردی جزو ندمای شاهان بودند و مقرری‌های کلان دریافت می‌کردند، در زمره دانشهایی به شمار می‌رفت که در فرهنگ ایرانی و اسلامی از ارزش والایی برخوردار بود. این دانش در ادب کلاسیک فارسی به تبع فرهنگ ایرانی و اسلامی به یکی از دانش‌های مورد توجه شاعران فارسی‌گو بدل شده بود. در تاریخ فرهنگ ایران پیش از اسلام، در مراکز نظیر اسکندریه و مراکز علمی بیزانس و از میر و شهرهایی از سواحل علیای فرات مثل رها و قنسرین و حران در حوزه امپراتوری روم شرقی و برخی مراکز مهم شاهنشاهی ساسانی مثل نصیبین و تیسفون و سلوکیه و

گندیشاپور و ری شهر و مرو و جز آن، اختلاف زبان، ریاضی و دیگر علوم عقلی رایج بود و پس از اسلام نیز از میانه‌های قرن دوم هجری، پس از فرو نشستن تاخت و تازها و لشکرکشی‌ها، کم‌کم بدان پرداخته شد و بتدریج خلفای عباسی، از عهد منصور به بعد، گروهی از منجمان و ریاضیدانان بزرگ ایرانی مثل نوبخت اهوازی و پسرش خورشاذماه (مکنی به ابوسهل) و برخی دیگر را در دربارهای خود جمع می‌کنند (صفا، ۱۳۷۴؛ صص ۵-۳۳). علوم ریاضی در قرن چهارم و اوایل قرن پنجم با حضور بزرگانی چون زکریای رازی (م ۳۱۳هـ)، ابونصر محمد بن محمد فارابی (۳۳۹هـ)، ابوعلی سینا (م ۴۲۱هـ)، ابوالوفاء بوزجانی نیشابوری (۳۲۸-۳۸۷هـ)، ابو جعفر خازن خراسانی (وفات بین ۳۴۹-۳۶۰هـ) ابوریحان محمد بن احمد بیرونی خوارزمی، استاد عضد الدوله و... به شهرتی جهانی و نهایت اعتلای خود می‌رسد. تا آنجا که این دوره را از ادوار برجسته پیشرفت علوم ریاضی در تاریخ علوم عقلی دانسته‌اند (همان، ص ۷۸). با وجود مخالفت‌های غزالی در زمانی نزدیک به عهد خاقانی، علم ریاضی به پیشرفت خود ادامه داد و با نام و اثر ریاضیدانان بزرگی همچون عبدالرحمن خازنی صاحب «زیج السنجری»، قطان مروزی (م ۵۴۸هـ)، مسعودی غزنوی و خیام نیشابوری صاحب «جبر و مقابله» روبه‌رو هستیم. نکاتی که درباره این دانشمندان اهمیت دارد، آن است که اولاً تعدادی از آنها در دستگاه امرا و رجال حکومتی شأن و رتبه‌ای داشتند، ثانیاً تعداد زیادی از آنان در ادب فارسی اعم از نظم و نثر صاحب مقام و مرتبه بودند. برای نمونه خیام نیشابوری که رباعیات او در ادب فارسی و ادب جهانی جایگاه درخوری دارد، در سایه حمایت‌های افرادی نظیر رئیس قاضی ابوطاهر عبدالرحمن بن علق، امیر قراخانی شمس‌الملک نصر بن طمغاج خان، خاقان سمرقند، و ملک‌شاه سلجوقی و وزیر دانشمند او خواجه نظام‌الملک قرار داشت. خیام به خاطر توجه و حمایت خواجه نظام‌الملک، سالانه ده هزار دینار مقرری از ملک‌شاه دریافت می‌کرد و در زمره ندمای پادشاه قرار داشت (خیام، ۱۳۸۶، ص ۶). به نظر می‌رسد چنین اعتبار و

اهمیتی که پادشاهان و درباریان برای ریاضی در نظر داشته‌اند، می‌توانسته شاعران بسیاری را به سوی خود جلب کند. ظاهراً خاقانی که در صدد راه جستن به دربار و آرزوی یافتن جایگاه درخور خویش، مثل انوری و خیام و دیگران بوده و از سویی با این دانش آشنایی داشته است و به اهمیت آن در نزد مخاطبان قصاید خویش پی‌برده بود، نمی‌توانست از اشاره به این علم روزپسند اجتناب کند، و برخی نشانه‌های آن را در شعرش به کار نگیرد. گفتنی است نمونه بارز استفاده از اعداد به شکلی ساده و هنری در مناظره شاعرانه میان انوری و رشیدالدین وطواط در ماجرای محاصره قلعه «هزار اسب» دیده می‌شود.^۱ هنگامی که انوری با طعن می‌سراید:

ای شاه همه ملک زمین حسب تو راست

وز دولت و اقبال جهان کسب تو راست

امروز به یک حمله هزار اسب بگیر

فردا خوارزم و صد هزار اسب تو راست

(انوری، ۱۳۴۷، ص ۳۲)

و جواب وطواط:

گر خصم تو ای شاه شود رستم گردد

یک خر ز هزار اسب تو نتواند بُرد

(وطواط، ۱۳۳۹، ص ۶۱۴)

انوری در این مناظره که در سال ۵۴۲ هـ و تقریباً همزمان با عصر خاقانی اتفاق افتاده است، با اعداد یک، صد، هزار و هزار اسب نوعی تناسب و جناس لفظ ایجاد کرده است و وطواط نیز با رعایت تناسب اعداد یک و هزار به او جواب داده است. در بیتی نادر از رباعیات خیام که پیش از خاقانی می‌زیسته، نمونه دیگری از کارکرد هنری اعداد دیده می‌شود:

ای آن که نتیجه چهار و هفتی

وز هفت و چهار دائم‌اندر تفتی

می خور که هزار بار بیشتر گفتم

باز آمدنت نیست چو رفتی رفتی

(خیام، ۱۳۶۲، ص ۱۳۳)

به طور کلی با نگاهی به رباعیات خیام یا قصاید انوری متوجه می‌شویم دامنه استعمال اعداد با ایجاد بازی‌های زبانی و تناسبات ریاضی چندان قابل توجه نیست و این هنر شگرف و ویژگی سبکی را باید مختص شاعر بلند آوازه شروان دانست.

۲- سبک

سبک، واژه‌ای است عام که در اکثر هنرها و علوم به کار می‌رود و در هر زمینه‌ای، معنای خاصی دارد و در اینجا، سبک آثار ادبی مورد نظر ماست. هر چند تعریف سبک و مفهوم آن به گفته ویتاگرداف، ذهنی و مبهم است (شمیسا، ۱۳۷۸، ص ۱۵)، ادبا، منتقدان و زبان‌شناسان بسیاری سعی در تعریف آن داشته و نظریات متفاوتی در این زمینه بیان کرده‌اند که بسیاری از این آرا در تضاد با یکدیگرند. آنچه مسلم است، تلقی امروز از سبک و مطالعات سبک‌شناسی است که با دیدگاه قدما متفاوت شده و این امر به دلیل تحوّل و تکامل زبان‌شناسی و نقد ادبی و در نتیجه تأثیر آنها بر ادبیات است. یکی از بهترین تعاریف سبک که شاید بتواند بسیاری از تعاریف دیگر را دربرگیرد، تعریفی است که از طبقه‌بندی استفان اولمن (Stephen Ullmann) به دست گرفته‌اند و سبک را شیوه خاص دیدن، یعنی رفتارهای ذهنی خاصی دانسته‌اند که منجر به رفتارهای خاص زبانی می‌شود و لاجرم هنرمند دست به گزینش خاصی در زبان می‌زند و در مسیر این گزینش، چه بسا مجبور به اعمال سلیقه‌هایی در زبان یا خروج از هنجارهای متعارف می‌شود (همان، ص ۶۹). عناصر اصلی این تعریف همان عناصری است که اولمن در نظر داشته است، یعنی نگرش خاص، گزینش خاص و خروج از هنجار؛ بنابراین، سبک به طور کلی یک روح یا ویژگی مشترک و متکرر در آثار فرد است (همان، ص ۱۳).

۳- ویژگی سبکی (features)

مختصه سبکی در واقع همان ویژگیهای لفظی، فکری و یا ادبی است که هنرمند با بسامد بالایی در یک اثر به کار می‌گیرد یا به قول اولمن «انتخاب» می‌کند و این انتخاب خاص و تکرار آن، از طرفی بیانگر نوعی هنجارشکنی (به دلیل تکرار زیاد) و از طرف دیگر بیانگر نگرش هنرمند به جهان پیرامون اوست.

عبادیان، تمام امکانات زبانی را دارای استعداد نقش‌پذیری دانسته، می‌گوید: «تمامی وسایل زبانی، استعداد آن را دارند که از لحاظ سبکی، پذیرای نقش شوند، این کیفیت را زمانی می‌یابند که به مرتبه سخن، اعتلا یابند؛ چه تا هنگامی که عنصر سیستم زبانی‌اند، فاقد ارزش بار سبکی‌اند» (عبادیان، ۱۳۶۸، ص ۵۷). پس به طور کلی، یک ویژگی متکرر در صورت یا محتوای اثر یا آثار برجسته ادبی وجود دارد که آن را مختصه یا عنصر سبکی می‌گویند. این مختصه یا عنصر، اگر تنها در آثار یک دوره زمانی خاص با بسامد بالایی تکرار شود، سازنده سبک دوره (period style) و متمایزکننده سبک یک دوره خاص از ادوار دیگر است؛ اما اگر این مختصه یا عنصر در اثر یا آثار یک شاعر برجسته با بسامد بالایی تکرار شود، سازنده سبک فردی (private style) و متمایزکننده سبک آن شاعر از دیگر شاعران همان دوره است.

۴- خاقانی و نوآوری زبانی

در بررسی شاهکارهای شعر فارسی، به عنوان مهمترین فعالیت هنری و میراث مکتوب ایرانیان، قصاید خاقانی شروانی (۵۲۰-۵۸۲ق) از اهمیت خاصی برخوردار است. هر چند غزلیات خاقانی توجه برخی از منتقدان و شعر شناسان را به خود جلب کرده است^۲، اما قصاید او شهرت بیشتری دارد، تا جایی که خاقانی را در میان شخصیت‌های استثنایی ادب فارسی در هفت سده نخستین دوران اسلامی، آورده‌اند (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۲، ص ۱۱). قصیده‌سرایی که هنر اصلی خاقانی است، شیوه مرسوم زمانه او بوده است و وی نیز با این اشعار، همانند بسیاری از شاعران دیگر، امرار معاش

می‌کرد و از این راه، زمینه و مقدمه‌آشنایی وی با بزرگان و پادشاهان فراهم می‌شد (زرین‌کوب، ۱۳۷۴، ص ۱۷۹). این شیوه زندگی، به‌ناچار میان شاعران، رقابت ایجاد می‌کرد. آنان در این رقابت‌ها، به منظور راه یافتن به دربارها یا رسیدن به صله و پاداشی از بزرگان، هنر و معلومات خود را به رخ رقیبان می‌کشیدند؛ چرا که مخاطب آنها، طبقه اهل فضل درباری بود و شاعر به اقتضای میزان توقع آنان، عملاً از طریق پیچیده کردن عناصر مختلف شعر، پرسش‌های متن را برای مخاطبان متنوع‌تر می‌کرد (پورنامداریان، ۱۳۸۲، ص ۲۷۵). پورنامداریان، دشواری شعر مدحی را در ارتباط با اوضاع سیاسی و شکل‌گیری حکومت‌های مقتدری می‌داند که از شاعران مدیحه‌سرا حمایت می‌کردند و بر آن است، شعر مدحی با شکل‌گیری حکومت مقتدری - که حامی شاعران مدیحه‌سرای بود - عملاً به سوی دشواری و پیچیدگی بیشتر سیر می‌کرد و شاعران در چنین وضعی بر تعداد و تنوع سؤال‌های متن، آنگونه که مخاطبان‌شان (اهل فضل درباری) درمی‌یافتند، می‌افزودند تا جایی که قالب قصیده، عرصه هنرنمایی و فضل‌فروشی شاعران برای دریافت صله یا نشان دادن فضل و هنر آنان شد (پورنامداریان، همان، صص ۷-۲۷۶). خاقانی از شاعران مداحی است که فضل‌فروشی‌های او در قصایدش و مضمون اندیشی‌های باریک، بازی‌ها و ترفندهای زبانی و هنری‌اش، ضمن به ستوه آوردن نزدیکان و هم‌عصرانش، بسیاری از منتقدان را به نقد روح و روان او رهنمون کرده است؛ تا آنجا که عده‌ای او را گرفتار عقده حقارت دانسته‌اند.^۳

خاقانی از تمام عناصر زبان، از حروف، کلمات و گروه‌های اسمی و فعلی گرفته تا مضمون‌های باریک معنایی و مثل‌های عامیانه و اشاره به بازی‌های کودکانه و اصطلاحات آیین مسیحیت و... استفاده می‌کند تا اطلاعات و هنر خود را هر چه بهتر و بیشتر در عرصه زبان - که دست‌مایه کار شاعران است - بنمایاند و این استفاده همگانی از عناصر زبان در مطالب شعری او تنوع ایجاد کرده است و مانند بسیاری از شاعران قرن پنجم و ششم، گنجینه‌ای پر بها و مزین به جواهرات گوناگون پدید آورده است که هر گوشه آن، به نوعی بیننده را جلب می‌کند (صفا، ۱۳۷۷، ص ۴۲). با مشاهده نوآوری‌های زبانی و

بلاغی خاقانی در قصایدش^۴، دچار نوعی شگفتی می‌شویم و این همان شگفتی است که همانند شعر سبک هندی، ما را به مسرت و لذت از شعر وی فرا می‌خواند (شفیعی کدکنی، همان، ص ۴۸).

۵- نظم اعداد در قصاید خاقانی

خاقانی شروانی که بارها به اعجاز و سحر کلام و مالک‌الملکی سخن و آوردن طریق غریب و شیوه تازه در سخن‌سرایی اشاره کرده است^۵، بی‌گمان با مفهوم سبک (همانند بسیاری از قدما) آشنا بوده و بر نوآوری‌های خود در عرصه زبان و بلاغت آگاهی داشته است. او پیوسته در مقام فخر، خود را شاعری صاحب سبک می‌داند که با نوآوری و برافکندن طرزی غریب، بر همگان برتری یافته است. باید اعتراف کرد که سبک او به حق، در عرصه زبان و بلاغت در عصر خویش، سبکی یگانه و متمایز است. قصاید خاقانی علاوه بر مختصات سبکی دوره، برخی مختصات سبک فردی را نیز دارد که قصایدش را از دیگر شاعران، متمایز می‌کند. یکی از این مختصات که تاکنون مورد غفلت قرار گرفته و پژوهشی مستقل در خصوص آن انجام نشده است، هنر زبانی او در دانش ریاضیات با گزینش و به‌کارگیری اعداد و ایجاد تناسبات زیبای ریاضی است که ما از آن به *نظم اعداد* تعبیر کرده‌ایم. اعداد در قصاید خاقانی با بسامد بالا و با تناسبات متنوعی جلوه یافته است. جلوه اعداد در این قصاید، شگفت‌انگیز و سبک‌ساز است و بنابر نظر افرادی چون هگل، ولفین، شوپنهاور، نیومن و امرسون می‌توانیم از روی همین سبک بیان، به دنیای ذهنی صاحب سبک پی‌ببریم^۶. با نگاه آماری به قصاید خاقانی، از مجموع ۱۳۲ قصیده، (۸۱۱۷ بیت)، درمی‌یابیم ابیاتی که در آنها حداقل دو بار از اعداد استفاده شده است به ۴۹۹ بیت، یعنی بیش از شش درصد ابیات می‌رسد. این بسامد از نظر مطالعات سبک‌شناسی، بسیار قابل توجه است. نکته جالب دیگر، تناسبات متنوع میان اعداد به کار رفته است که گاه مقاصد بلاغی- هنری ویژه‌ای را دنبال می‌کند؛ برای مثال گاه خاقانی با به‌کارگیری اعداد، سعی در تشدید موسیقی

(موسیقی معنوی)، تکرار و تأکید یا ایجاد «ایهام تبادر» داشته است؛ «برای نمونه میان هفت و هفته (دیوان، صص ۲۲۸ - ۲۴۳)، یک با شست «شصت» (همان، ص ۲۳۵)، چهل با شست «شصت» (همان، ص ۲۵۵)، یک با پنجه «پنج» (همان، ص ۳۴۳) یک با ده» [در معنی بده که فعل امر است (با عدد ۱۰)] (همان، ص ۱۳۳) و... «گفتنی است که اعداد در دستور زبان خاقانی معمولاً پیش از اسم می‌آیند و در گروه اسمی بیشتر به شکل صفت پیشین مطرح می‌شوند. از دید زبانی و دستوری، اعداد نقش مهمی در ترکیب‌سازی‌های بدیع او ایفا می‌کنند، برای نمونه در ابیات زیر ترکیب‌های عروس نه فلک، دو گوی ساکن، امین چار حرف و تاج سه حرف به یاری اعداد ساخته شده‌اند:

ای از عروس نه فلک‌اندر کمال بیش

وز نه رسول به ده نوع یادگار

(خاقانی، ۱۳۷۳، ص ۱۷۸)

از حرف صولجان فش زیرش دو گوی ساکن

آمد چون صفر مفلس و در صفر شد توانگر

(همان، ص ۱۹۱)

هست امین چار حرف و تاج سه حرف

بسم بین هم سه حرف و الله جار

(همان، ص ۲۰۵)

سحرکاری خاقانی، غالباً به نوع چیدمان این عناصر به شیوه منطقی در یک یا چند بیت متوالی است. البته گاه زیبایی مضمون شعر و یا به عبارت دیگر، رابطه لفظ و معنا، تحت تأثیر التزام شاعر در نحوه تنظیم اعداد شده و پیام شعر در زیر انبوهی از عناصر زبانی پنهان مانده است. تسلط بی‌نظیر شاعر به علوم و فنون زمان، باعث جولان فکری وی در عالم هستی و صید مفاهیم بکر و مهندسی شگرف او در قرار دادن منطقی این مفاهیم متفاوت و گاه متباین در کنار هم شده است. در این ابیات گاه شاعر با پیوند زمین و آسمان، تاریخ و اسطوره، حقایق مسلم علمی و باورهای خرافی عامیانه و قرار

دادن اجزای پراکنده و متنوع عالم حیات، وحدتی ارگانیک ایجاد می‌کند و مخاطب را به تحسین و تعجب وا می‌دارد.

ذهن پویا و جستجوگر خاقانی، و توفیق او در آمیزش عناصر متنوع عالم هستی، و در کنار هم قرار دادن آنها، آن هم با شگردی خاص و نظمی منطقی، نوعی سحرکاری و نقشبندی کلامی است که جز در دیوان خاقانی در دیوان کمتر شاعر بزرگی از سرآمدان شعر فارسی می‌توان یافت. شایان ذکر است اعداد در قصاید خاقانی ماهیتی هنری یافته و چنان با محور همنشینی یا نحوی «Syntagmatic Axis» و گاه با محور عمودی یا جانشینی «Pragmatic Axis» اشعار انسجام (cohesion) یافته و درهم تنیده شده‌اند که شگفتی اهل هنر را برمی‌انگیزد. این انسجام اعداد در متن، به مثابه واژگان مناسب خاقانی در دو محور یاد شده، چنان تنگاتنگ است که اولاً با اعمال کوچک‌ترین جابجایی اعداد (با فرض هم‌وزنی) در محور افقی و عمودی قصاید، انسجام، زیبایی و تناسب حاکم بر آن از میان می‌رود. ثانیاً اغلب با ترکیب‌سازی هنری و ایجاد تصویر شاعرانه با نوعی رقص اعداد روبه‌رو هستیم. آنچه در پی می‌آید بیان برخی از کارکردهای هنری و تناسبات ریاضی اعداد در قصاید خاقانی به عنوان یکی از مختصات سبک فردی اوست:

۱-۵ توالی منظم اعداد

خاقانی در این ابیات^۷ بدون هیچ تکلف و تصنعی کوشیده است تا به صورت صعودی یا نزولی، تعدادی عدد مفرد را به ترتیب، در یک بیت کنار هم قرار دهد:

الف) سیر نزولی

هشت خلد از هفت چرخ و شش جهت از پنج حس

چار ارکان از سه ارواح و دو کون از یک خدا

(خاقانی، ۱۳۷۳، ص ۲)

در رزم یازده رخ با دهر ده دله

تا نه سپهر و هشت جنان، هفت خوان اوست

(خاقانی، ۱۳۷۳، ص ۷۴)

ب) سیر صعودی

بردم از نرآد گیتی یک دو داو اندر سه زخم

گر چه از چار آخشیج و پنج حس در ششدرم

(همان، ص ۲۴۸)

البته گاه تنگنای قافیه، شاعر را مجبور کرده، حداقل در یک مورد، ترتیب عددی را

فدای وزن شعر کند:

یک دو شده از سه حرفش چار اصل و پنج شعبه

شش روز و هفت خسرو نه قصر و هشت منظر

(همان، ص ۱۸۹)

موارد دیگر: ۴۲۵/۴۰۶/۳۶۹/۳۲۷/۲۹۰/۲۵۴/۲۰۱/۱۷۱/۱۸۹/۶

۲-۵ توالی نامنظم

در ابیات فراوانی خاقانی با التزام به آوردن اعداد یک تا پنج، شش و بیشتر توالی

منظم و منطقی را رعایت نکرده است:

چارپایی دو سه و یک دو غلامانی و مطالعات فریبگی

چارپا هم به کوری خواهم داشت

(همان، ص ۸۴)

از صریر در او چار ملایک به سه بُعد

پنج هنگام دوم صور به یک جا شنوند

(همان، ص ۱۰۳)

موارد دیگر: ۳۹۳/۳۸۴/۲۳۹/۲۳۲/۲۱۴/۱۴۸/۱۲۱/۸۴/۷۲/۲۵

۳-۵ توالی عکس

در این ابیات، در مصراع اول چند عدد با سیر نزولی آمده است، سپس در مصراع بعدی همان اعداد با سیر صعودی (عکس مصراع اول) تکرار می‌شود:
به چار نفس و سه روح و دو صحن و یک فطرت

به یک رقیب و دو فرع و سه نوع و چار اسباب

(خاقانی، ۱۳۷۳، ص ۵۲)

۴-۵ توالی منظم دو عدد در یک بیت

الف) شکل صعودی

در چار سوی فقر درآ تا ز راه ذوق

دل را ز پنج نوش سلامت کنی دوا

(همان، ص ۴)

ندای هاتف غیبی ز چار گوشه عرش

صدای کوس الهی به پنج نوبه لا

(همان، ص ۲۹)

موارد دیگر:

۴۳۰/۴۳۱/۳۸۳/۳۲۵/۳۰۱/۲۹۹/۲۶۹/۲۳۴/۲۳۳/۲۰۶/۱۹۴/۱۸۵/۱۷۸/۱۷۶/۱۶۴/۱۳۷/۳۱

۴۳۵

ب) شکل نزولی

ای پنج نوبه کوفته در دار ملک لا

لا در چار بالش وحدت کشد تورا

(همان، ص ۱۳۲)

موارد دیگر:

۴۳۰ / ۴۲۰ / ۴۱۹ / ۴۰۹ / ۳۶۸ / ۳۱۱ / ۳۰۹ / ۲۹۹ / ۲۳۴ / ۲۱۸ / ۱۹۶ / ۱۴۸ / ۹۵ / ۹۴ / ۳۴ / ۲۴ / ۱۷ / ۹

۵-۵ تناسب و تکرار دوباره یک عدد

الف) التزام در آوردن عددی در میان عدد تکرار شونده (A-B-A):

هشت حرف است از قزل تا ارسلان چون بنگری

A هفت گردون را در آن هر هشت مضمیر ساختند

A B

(خاقانی، ۱۳۷۳، ص ۲۳۱)

تا خلق را ز خلق و دو دستش سه قبله هست

B A

بحرین دو قله نیست بر اخفر سخاش

B

(همان، ص ۲۳۱)

موارد دیگر از این تناسب: ۴۲۴/۴۰۲/۲۹۴/۲۶۲.

ب) التزام در آوردن عدد تکرار شونده در آغاز و عدد متفاوت در آخر (B-A-A)

ماه نو در شفق و ماه و شفقتشان می و جام

با دو ماه و دو شفق یک نظر آمیخته‌اند

B A A

(همان، ص ۱۱۷)

ای از عروس نه فلک اندر کمال بیش انی و مطالعات فریبگی
وز نه رسول به ده نوع یادگار

B

B A

(همان، ۱۷۸)

موارد دیگر از این نوع: ۳۷۸/ ۳۲۲/۲۶۶/۲۲۶/۲۰۲/۱۴۶/۷۰/۴۹.

ج) بر خلاف شکل دوم، یعنی التزام در آوردن عدد تکرار شونده در آخر و عدد

متفاوت در آغاز (A-A-B):

از حرف صولجان فش زیرش دو گوی ساکن

آمد چون صفر مفلس و در صفر شد توانگر

B

A A

(خاقانی، ۱۳۷۳، ص ۱۹۱)

هست امین چار حرف و تاج سه حرف

بس بین هم سه حرف و الله جار

A B

A

(همان، ص ۲۰۵)

موارد دیگر از این تناسب: ۴۲۴/۱۳.

۵-۶- التزام در آوردن دو عدد در یک بیت، که یکی از آن دو، نصف دیگری است.

الف) صعودی:

دو شاخ گیسوی او چون چار بیخ حیات

به هر کجا که اثر کرد اخرج المرعی

(همان، ص ۹)

چار زبان رباب دوش به مجلس

از طرف این هشت گوش را خبر آورد

(همان، ص ۱۴۸)

نمونه‌های دیگر:

۴۳۲/۴۱۵/۳۹۸/۳۵۸/۳۴۹/۳۴۳/۳۳۷/۳۲۷/۲۷۰/۲۶۶/۲۲۶/۲۱۳/۲۰۴/۱۵۸/۱۵۳/۱۲۸/۶۵

ب) شکل نزولی:

چو ماه سی شبه ناچیز شد خیال غرور

چو روز پانزده ساعت کمال یافت ضیا

(همان، ص ۷)

هادی مهدی غلام، ای صادق کلام

خسرو هشتم بهشت، شحنة چهارم کتاب

(خاقانی، ۱۳۷۳، ص ۴۴)

موارد دیگر:

۳۳۷/۳۱۱/۲۹۲/۲۶۶/۲۴۷/۲۴۰/۲۳۱/۲۱۸/۱۸۱/۱۴۵/۱۲۸/۱۲۷/۸۰/۷۳/۶۸/۵۵/۴۹

۵-۷ تکرار دوباره یک عدد

سربنه کاینجا سری را صد سر آید در عوض

بلکه بر سر هر سری را صد کلاه آید عطا

(همان، ص ۱)

کسری ازین ممالک و صد کسری و قباد

خطوی از این مسالک و صد خطه خطا

(همان، ص ۳)

موارد دیگر:

/۱۵۸/۱۵۵/۱۵۲/۱۵۰/۱۴۸/۱۳۱/۱۲۴/۱۱۶/۹۱/۹۰/۸۶/۷۳/۷۰/۵۲/۳۶/۳۰/۲۶/۲۵/۱۹/۹

۲۲۸/۲۲۷/۲۲۵/۲۲۴/۲۲۱/۲۱۷/۲۱۰/۲۰۴/۲۰۳/۲۰۲/۱۹۸/۱۹۴/۱۸۸/۱۸۰/۱۷۷/۱۷۳/۱۶۲

/۳۷۴/۳۷۰/۳۵۴/۳۵۰/۳۴۷/۳۳۵/۳۲۰/۳۱۶/۳۱۲/۳۰۶/۳۰۴/۲۹۸/۲۹۰/۲۶۱/۲۵۷/۲۴۰/

۴۴۰/۴۳۸/۴۲۹/۴۲۴/۴۱۷/۴۱۲/۴۰۲/۴۰۱/۳۹۹/۳۸۷

۵-۸ تکرار بیش از سه بار یک عدد

هر چار چار حد بنای پیمبری

هر چار چار عنصر ارواح اولیا

(همان، ص ۶)

دو ابر و دو آفتاب و دو بحر

کس جز کف هر دوان زر ندیدست

(همان، ص ۶۹)

موارد دیگر: ۴۲۱/۳۷۹/۳۲۶/۲۲۶/۲۱۶/۲۱۲/۲۱۱/۲۰۱/۱۳.

۵-۹ تکرار دوباره دو عدد

در این شگرد در بیت، حداقل چهار عدد وجود دارد که دو تا از آنها با تناسب خاصی تکرار می‌شود. این تناسب، شکل‌های متعددی دارد:

الف) تکرار دو عدد در دو مصرع به یک ترتیب (B-A / B-A):

فیض هزار کوثر و زین ابر یک سرشک

برگ هزار طوبی و زین باغ یک گیاه

B A

(خاقانی، ۱۳۷۳، ص ۳)

صد لطف کردگار وز لب تو یک سخن

صد ستم از روزگار دل تو یک جفا

B A

(همان، ص ۳۶)

موارد دیگر: ۳۹۵/۳۵۸/۳۴۸/۳۲۶/۲۹۹/۱۹۱/۱۴۳/۱۱۹/۱۰۷/۹۱/۳۶/۱۱.

ب) تکرار دو عدد در دو مصرع با تناسب معکوس (A-B / B-A):

چون دو دست اندر تیمم یک به دیگر متصل

B A

در یکی محمل دو تن هم چای و هم ران دیده‌اند

(همان، ص ۹۱)

به چرخ گندناگون بر دو نان بینی ز یک خوشه

که یک دیگ ترا گشنیز ناید ز آن دو تا نانش

(همان، ص ۲۱۲)

نمونه‌های دیگر: ۲۵۹ و ۳۷۸.

ج) تکرار یک عدد به طور متوالی و آوردن دو عدد متفاوت به دنبال آن (A-A / C-
(B):

آن سه دختر و آن سه خواهر پنج وقت

در پرستاری به یک جا دیده‌ام B A A

C

(خاقانی، ۱۳۷۳، ص ۲۷۲)

د) گاه برعکس رابطه فوق است (A-A / B-C)؛ یعنی آوردن دو عدد متفاوت در
ابتدا و تکرار عددی متفاوت بعد از آنها:

دغا در سه و چهار بینی نه در یک

من و نقش یک کز دغا می‌گریزم B C

A

(همان، ص ۲۹۰)

ه) تکرار عددی با فاصله عددی متفاوت (A-C / A-B):

این هفت نقطه یک رقمند از خط کفش

و آن نه صحیفه یک ورق از دفتر سخاش A B

A C

(همان، ص ۲۳۲)

موارد دیگر: ۱۹۷ و ۲۴۸. پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱۰-۵ تکرار در محور عمودی

نوعی دیگر از تکرار اعداد در قصاید خاقانی، تکرار در محور عمودی اشعار اوست.

این رابطه را می‌توان به دو نوع تقسیم کرد:

۱-۱۰-۵ تکرار در محور عمودی با سیر صعودی

در این نوع التزام، در هر بیت، حداقل دو عدد وجود دارد و این اعداد سیر صعودی (توالی منظم) دارند:

در سر یک ناخن از دو دستش

صد شیر نر ژیان بینم

و شاه سه وقت و چار ملت

بر شاه مدیح خوان بینم

دهر از فزغش به پنج هنگام

در ششدر امتحان بینم

از هفت سپهر و هشت خلدش

روز آخور و شب ستان بینم

نه چرخ ز قلزم کف شاه

مستسقی ده بنان بینم

(خاقانی، ۱۳۷۳، ص ۲۶۹)

۲-۱۰-۵ تکرار یک عدد در چند بیت متوالی:

هر دو از هیبت و هبت به دو وقت

همچو گل خاضع و چو میل جبار

هر دو برجیس علم و کیوان حلم

هر دو خورشید جود و قطب و قار

خود بر این هر دو قطب می‌گردد

فلک شرع احمد مختار

شرع را زین دو قطب نگریزد

که فلک راست بر دو قطب مدار

هر دو چون کوه گنج خانه علم

هر دو بحر از درون ولی زخار

(خاقانی، ۱۳۷۳، ص ۲۰۳)

نمونه‌هایی دیگر از تکرار منظم و نامنظم اعداد در چند بیت متوالی:

۱۸۴/۱۴۸/۱۳۷/۱۲۰/۱۱۷/۱۱۶/۱۱۵/۱۱۳/۱۰۲/۹۵/۹۱/۷۶/۷۰/۶۹/۶۸/۶۵/۵۱/۳۰

۳۹۳/۳۸۵/۳۷۲/۳۵۰/۳۳۵/۳۰۶/۲۹۹/۲۹۰/۲۶۷/۲۵۴/۲۵۳/۲۴۰/۲۳۲/۲۱۴/۲۰۱/۱۹۷/۱۸۹

۴۲۵/۴۲۴/۴۲۱/۴۲۰/۴۱۸/۴۰۲/

۱۱-۵ کاربرد اعداد به شکل قیاسی

مهم‌ترین شکل این رابطه، قیاس یک به صد و صد به یک است. ابتدا قیاس یک به

صد:

یارب آن کوس چه هاروت فن زهره نواست

که ز یک پرده صد الحانش به عمدا شنوند

(همان، ص ۱۰۱)

یک سر سفله پست کز فلکش

بر کله صد گهر ندوخته‌اند

(همان، ص ۱۰۵)

نمونه‌های دیگر: ۴۳۸/۴۰۱/۳۷۸/۳۲۲/۲۱۴/۱۱۴

اما صد به یک:

چو خوشه چند شوی صد زبان، نمی‌خواهی

که یک زبان چو ترازو بوی به روز جزا

(همان، ص ۸)

با غبار صیدگاه شاه کز تعلیم هست

ز آهوان مشک ده صد تبتش در یک فضا

(همان، ص ۱۹)

موارد دیگر: ۴۴۱/۳۷۸/۳۶۰/۳۴۸/۳۴۶/۳۲۳/۲۳۴/۱۱۲/۷۰/۳۷/۳۶.

۱۲-۵ عملیات جمع در یک بیت

ای اعتقاد نه زن و ده یار مصطفات

از نوزده زبانیه حرز امان شده

(خاقانی، ۱۳۷۳، ص ۴۰۲)

گنج بخشا یک دو حروف از مدح تو

بر سه گنج شایگان خواهم گزید

(همان، ص ۱۷۱)

دقت نظر در ابیات خاقانی، در کاربرد متنوع اعداد، ممکن است کشف تناسبات

دیگری نیز به دنبال داشته باشد؛ امید است این مختصر بتواند فتح بابی برای تحقیقات

گسترده‌تر در این زمینه محسوب گردد.

نتیجه‌گیری

بی‌گمان شاعران بزرگ صاحب سبک، علاوه بر رعایت برخی مختصات سبکی

زمانه خویش، برخی مختصات فردی را نیز در آثارشان به کار می‌گیرند که وجه تمایز

آثار آنها از دیگر شاعران است. خاقانی در مقام یکی از سرآمدان قصیده‌سرای شعر

فارسی، از این قاعده مستثنی نیست. حقیقت آن است که کسب شناختی از شیوه خاص

وی در نگاه اول، کار ساده‌ای نیست و باید هنر او را از زوایای مختلف، بارها بررسی

کرد تا بتوان برخی مختصات فردی سبک او را کشف کرد و نشان داد. فضل‌فروشی‌های

وی دامنه کارش را از مثل‌ها و کنایات عامیانه تا اصطلاحات جادوگری و علوم مختلف

گسترانیده است. دانش ریاضیات که به دلیل اهمیت ظهور ریاضیدانان بزرگی در سطح

ایران و جهان آن عصر همچنین به دلیل نفوذ و اهمیت برخی دانش‌های تابع آن نظیر

هندسه و نجوم در دربارها و دستگاه‌های حکومتی، در ادب و فرهنگ ایران جایگاه

مناسبی پیدا کرده بود، از دانش‌هایی است که در سبک فردی خاقانی با جلوه‌های

گوناگونی از اعداد نمود پیدا کرده است؛ یکی از علومی که خاقانی در آن طبع آزمایی کرده ریاضیات است. او با چیره‌دستی و مهارت هر چه تمامتر در ایجاد تناسبات خاص میان اعداد، از توانش زبانی آنها بهره گرفته است. با استناد به آماری که از قصاید خاقانی به دست دادیم، به همراه برخی شواهد دیگر، مانند اشاره به حساب و تخت حساب (دیوان، صص ۲۶۲ - ۴۳۱)، جذر اصم (دیوان، صص ۲۶۲ - ۳۱۶)، به دست چپ شمردن (دیوان، صص ۸۸ - ۱۵۷) و... در می‌یابیم خاقانی ذهنی منظم، آشنا و آگاه به ریاضیات داشته و از گزینش اعداد با بسامد بالا، تناسبات خاص میان آنها و اشاره به برخی اصطلاحات و اطلاعات این علم در قصایدش، مقاصد هنری و بلاغی خاصی را دنبال کرده است؛ علاوه بر این سعی داشته به طبقه‌اهل فضل درباری و شاعران و رقیبان و ممدوحان و معارضان نشان دهد که او از علم ریاضی و به کارگیری آن در شعر همانند برخی علوم دیگر تا چه اندازه برخوردار است، بدین معنی که با نمایش زبانی اعداد (رقص اعداد) قصد داشته اقتدار خود را در این زمینه اثبات کند.

یادداشت‌ها

- ۱- این واقعه را اغلب تذکره‌نویسان نقل کرده‌اند؛ برای نمونه ر.ک. (جوینی، ۱۳۷۵، ص ۲۹).
۲. برای نمونه می‌توان به کتاب ارزشمند سعدی در غزل از دکتر سعید حمیدیان اشاره کرد یا برخی مقالاتی که در این زمینه نوشته شده است. ر.ک:
 - حمیدیان، ۱۳۸۳، صص ۴۸-۷۱.
 - کمر پستی، ۱۳۸۴، ص ۶۷.
۳. برای اطلاع بیشتر در این زمینه ر.ک:
 - زرین‌کوب، همان، ص ۱۸۷.
 - امامی، ۱۳۷۵، ص ۱۵.
 - میرنوراللهی، ۱۳۸۴، صص ۶۸-۷۰.
۴. برای تحلیل بلاغت خاقانی و شعر کلاسیک از دیدگاهی تازه، ر.ک:
 - پورنامداریان، خانه‌ام ابری است، ۱۳۸۱، صص ۲۰۶-۱۹۷.

۵. خاقانی در مقام مفاخره و فضل‌فروشی، برای مثال: خود را مالک الملک سخن (دیوان/۳۲۳)، عزیز جهان (دیوان/۷۷)، پادشاه نظم و نثر در خراسان و عجم (دیوان/۲۵۸)، سیمرخ اشعار (دیوان/۳۲۰) و... خواننده و شعرش را دارای طریق غریب (دیوان/۸۱)، نظمی محقق (دیوان/۳۱۹)، موزون عیار (دیوان/۴۱۹)، معجزه (دیوان/۱۰۴) و... می‌نامد.
۶. برای سخن هگل و ولفین رجوع کنید به: (عبادیان، همان، صص ۲۱-۲۰) و برای سخنان شوپنهاور، نیومن و امرسون: (شمیسا، کلیات سبک‌شناسی، همان، صص ۱۹-۱۸).
۷. شواهد ابیات در این مقاله از دیوان خاقانی به تصحیح مرحوم دکتر سید ضیاءالدین سجادی انتخاب شده است.

منابع و مأخذ

الف: کتابها

- ۱- انوری، (۱۳۴۷)، دیوان اشعار، به اهتمام محمدتقی مدرس رضوی، چاپ دوم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۲- پورنامداریان، تقی، (۱۳۸۱)، خانه‌ام ابری است، چاپ دوم، تهران، سروش.
- ۳- _____، (۱۳۸۲)، گمشده لب دریا، تهران، سخن.
- ۴- جوینی، عطاملک (۱۳۷۵)، تاریخ جهانگشای جوینی، تصحیح محمد قزوینی، تهران، دنیای کتاب.
- ۵- حمیدیان، سعید، (۱۳۸۳)، سعدی در غزل، تهران، قطره.
- ۶- خاقانی شروانی، (۱۳۷۳)، دیوان اشعار به کوشش ضیاءالدین سجادی، چاپ چهارم، تهران، زوار.
- ۷- خیام، عمر بن ابراهیم (۱۳۸۶)، رباعیات، به تصحیح علی دهباشی تهران، نشر تعاونی کارآفرینان فرهنگ و هنر.
- ۸- رضا، فضل‌الله، (۱۳۷۹)، نگاهی به عمر خیام، تهران: کویر.
- ۹- زرین‌کوب، عبدالحسین، (۱۳۷۴)، با کاروان حله، چاپ نهم، تهران، علمی.
- ۱۰- شفیعی کدکنی؛ محمدرضا، (۱۳۸۲)، ادبیات فارسی از عصر جامی تا روزگار ما، ترجمه حجت‌الله اصیل، چ ۲، تهران، نشر نی.

- ۱۱- _____ (۱۳۸۰)، ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت، ویرایش دوم، تهران، سخن.
- ۱۲- شمیسا، سیروس، (۱۳۷۹)، نگاهی تازه به بدیع، چاپ دوازدهم، تهران، فردوس.
- ۱۳- _____ (۱۳۷۸)، کلیات سبک شناسی، چاپ پنجم، تهران، فردوس.
- ۱۴- صفا، ذبیح‌الله، (۱۳۷۴)، تاریخ ادبیات ایران، خلاصه جلد اول و دوم، چاپ سیزدهم، تهران، ققنوس.
- ۱۵- _____ (۱۳۷۷)، مختصری در تحول نظم و نثر پارسی، چاپ پانزدهم، تهران، ققنوس.
- ۱۶- عبادیان، محمود، (۱۳۶۸)، درآمدی بر سبک و سبک‌شناسی در ادبیات، تهران، جهاد دانشگاهی تهران.
- ۱۷- وطواط، رشیدالدین، (۱۳۳۹)، دیوان با حقائق السحر فی دقائق الشعر، به تصحیح و اهتمام عباس اقبال آشتیانی، تهران، کتابخانه بارانی.

ب: مقالات

۱. کمر پشته، عارف، (۱۳۸۴)، «ترکیبات عامیانه و کنایه غزلیات خاقانی»، ماهنامه پژوهشی اطلاع‌رسانی حافظ، شماره ۲۳ (ویژه‌نامه خاقانی).
۲. میر نورالهی، سید حامد (۱۳۸۴)، «مانریسم فکری در قصاید خاقانی»، ماهنامه پژوهشی اطلاع‌رسانی حافظ، شماره ۲۳ (ویژه‌نامه خاقانی).